

یاد بگیرید که مزامیر را دوست داشته باشید درس ۹، مزمور ۹۱ و ۹۳: خدا محافظت کننده و پادشاه است رابرت گادفری

خُب، ما کمی کتاب سوم مزامیر رو بررسی کردیم و بحران رو در اون جا دیدیم. بحرانی که واقعا موضوع مهم زندگی قوم خدا و موضوع اصلی کتاب مزامیر بود؛ و بخشی از چیزی که الان می‌خوایم بعد از نشون دادن بحران بررسی کنیم؛ اینه که چطوری از این بحران خارج بشیم؟ بخشی از اونو در کتاب سوم مزامیر دیدیم، اما الان به کتاب چهارم می‌رسیم. ببینید من چقدر عددها رو بلدم؛ کتاب چهارم بعد از کتاب سومه.

کتاب چهارم هم یه کتاب کوتاه و مختصره؛ یه کتاب نسبتاً مختصره. ۱۷ تا مزمور داره؛ مزمور ۹۰ تا ۱۰۶. این کتاب به قوم خدا کمک می‌کنه که از بحران‌هایی بیابند، در مشکلات، ایمان داشته باشند. پس من اسم کتاب چهارم رو «تسلی پادشاه در وفاداری خدا» گذاشتم، تسلی پادشاه در وفاداری خدا. معمولاً ویژگی کتاب چهارم اینه که مزامیر به خدای خالق و خدایی مراجعه می‌کنند که با موسی عهد بست. پس چون این بحران مربوط به پادشاهی هست، این بحران خانواده‌ی داوود؛ پس قوم خدا رو تشویق می‌کنه که به دوران داود، به خدای خالق نگاه کنند، کسی که مشخصاً مسؤل همه‌چیزه، اما خدا وعده‌دهنده‌ی وفادار هم هست، چنانکه در دوران موسی این رو می‌بینیم.

پس مثل مزمور ۷۷، دیدیم که یه استراتژی برای قوم خدا در سختی‌ها اینه که به وفاداری گذشته‌ی خدا نگاه کنند تا اون‌ها رو در زمان حال تشویق کنه؛ پس کل کتاب چهارم این کار رو انجام می‌ده؛ به وفاداری گذشته‌ی خدا مراجعه می‌کنه. پس شروع کتاب چهارم با مزمور ۹۰، بیان‌کننده‌ی این موضوعه و عنوانش «دعای موسی» هست. این تنها مزموره که صریحاً عنوانش به موسی اشاره می‌کنه.

پس بلافاصله به ما می‌گه که به دوران قبل از داود برمی‌گردیم؛ به دوران موسی؛ و این کلمات تشویق‌آمیز و شگفت‌انگیز مزمور ۹۰: «ای خداوند مسکن ما تو بوده‌ای، در جمیع نسل‌ها.» بعد از اطمینان به این وعده، به موضوع خلقت می‌پردازه: «قبل از آنکه کوه‌ها به وجود آید و زمین ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی.» پس تو خدا هستی، تو خدای خالق هستی، تو در جمیع نسل‌ها با ما بودی. در روز تنگی، می‌تونیم به تو امیدوار باشیم.

بعد در ادامه‌ی این موضوع، می‌تونیم به مزمور ۹۲ بریم. عنوان مزمور ۹۲ اینه: «سرودی برای سبت». خُب، سبت، سنتی هست که موسی بر اون تأکید می‌کنه؛ اما سنت سبت، در واقع به خلقت برمی‌گرده. این یه نکته‌ی بسیار مهمه. سبت توسط موسی اعطا نشد؛ سبت توسط خدا برای رفاه انسان در خلقت اعطا شد.

پس مزمور ۹۲، تنها مرجع صریح برای سبب در کتاب مزامیره که ذهنمون رو به خلقت برمی گردونه، اما به سوی موسی هم هدایت می‌کنه و این موضوع گسترش پیدا می‌کنه. بعد این کتاب با مزمور ۱۰۵، مزمور ۱۰۶ خاتمه پیدا می‌کنه. هر دوی اون‌ها مزامیر تاریخی هستند. مزمور ۱۰۵ به «روزهای خوب گذشته» در اسرائیل می‌پردازه و به‌طور خاص بر ابراهیم، یعقوب و یوسف تمرکز می‌کنه؛ وقتی خدا با قومش بود و برکتشون می‌داد.

بعد مزمور ۱۰۶، به «روزهایی که خیلی خوب نبود» می‌پردازه؛ اینکه اسرائیل هم در تاریخچه‌اش در گناه سقوط کرد. موضوع مهم اینه که درحالی‌که کتاب چهارم، تسلی زیادی می‌ده، اما در پایان کتاب چهارم می‌بینیم که هنوز در همون نقطه‌ی آغاز هستیم. هنوز یه بحرانی هست، این واقعاً برطرف نشده. به ما کمک کرده، اما کاملاً شفا نیافتیم. پس کتاب چهارم، ما رو جلو می‌بره، اما به مقصد نمی‌رسونه. برای این امر باید منتظر کتاب پنجم باشیم.

یکی از طریق‌هایی که این در کتاب سوم، «بحران بزرگ پادشاه»، برای ما مشخص شده، اینه که فقط یه مزمور از داود داریم. داود تقریباً غایبه. در کتاب چهارم، دو مزمور از داود داریم. پس مسائل کمی روشن‌تر شده. داود برمی‌گرده. بعد در کتاب پنجم، تعدادی از مزامیر داود رو می‌بینیم. پس انواع شاخص‌ها رو داریم؛ به نظرم این به ما کمک می‌کنه که اتفاقات اینجا رو ببینیم. اما می‌خوام کمی به مزمور ۹۱ فکر کنیم. اگه مزمور ۹۰ و ۹۲، ما رو به خلقت و موسی وصل می‌کنه، شاید انتظار داشته باشیم که چیز مشابهی در مزمور ۹۱ باشه. امروزه، مزمور ۹۱، برای بسیاری، یکی از مزامیر نسبتاً آشنا در کتاب مزامیره. پُر از وعده‌های شگفت‌انگیزه: «آنکه در ستر حضرت اعلی نشسته است، زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود. درباره خداوند می‌گوییم که او ملجا و قلعه من است و خدای من که بر او توکل دارم.» در این مزمور، وعده‌ها و تضمین‌های شگفت‌انگیزی هست.

ولی اینجا هیچ بیانیه‌ی واضحی درباره‌ی موسی نیست؛ اما اگه به‌خوبی با کتاب تثنیه آشنا باشیم، متوجه می‌شیم که تثنیه ۳۲ و ۳۳ در این مزمور منعکس شده. این یه نوع تَعَمُّقَه؛ شاید تقریباً صدای طنین‌انداز تثنیه ۳۲ و ۳۳ هست. بخشی از اهمیتش در اینه که تثنیه ۳۱ می‌گه خدا به‌خاطر بی‌ایمانی قومش، برای داوری شون میاد.

بعد تثنیه ۳۲ و ۳۳ می‌گه، اما بعدش برمی‌گرده و برکت خواهد بود و احیا و رهایی برای قوم خدا خواهد بود. پس مزمور ۹۱، به‌نوعی، تعمق عمیق بر این وعده‌آس که بعد از تبعید، بعد از رنج، بعد از زیان، روزهای برکت میاد؛ و بعد مزمور ۹۱، جشنی برای این برکته که با وعده‌های فوق‌العاده همراهه. «زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید و از وبای خبیث.

به پَرهای خود تو را خواهد پوشانید و زیر بال‌هایش پناه خواهی گرفت. راستی او تو را مجن و سپر خواهد بود.» اینجا مقدمه‌ی عنوان مزمور ۹۱ رو داریم: «خدا نزدیکه.» خدا نزدیکه. او به‌عنوان پناهگاه به قومش نزدیکه. مثل پرنده‌ی بزرگی که ما رو زیر بال‌هاش پناه می‌ده، به قومش نزدیکه و از ما محافظت می‌کنه. بنابراین، نباید بترسیم.

بعدش این مزمور می‌گه، «از خوفی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می‌پرد. و نه از وبایی که در تاریکی می‌خرامد و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند.» حالا گاهی اوقات کمی سخته که دقیقاً بدونیم چطوری این مزامیر رو برای خودمون بهکار ببریم. آیا بدین معناست که اگه مسیحی خوبی هستید، هرگز بیمار نمی‌شید؟

آیا بدین معناست که اگه مسیحی خوبی هستید و به جنگ برید، هرگز زخمی نمی‌شید؟ خب، این خودش به ما جواب می‌ده، این طور نیست؟ نه، اینجا این وعده رو نمی‌ده؛ اما این رؤیای وفاداری خدا به قومش؛ محافظت خدا از قومش و اشتیاقش برای همراهی با قومش.

یادم نیست که آیا قبلاً گفتم که من به مراسم تدفین یکی از دوستانم رفتم که خلبان مهمی بود. اینو قبلاً اینجا گفتم؟ این شعار، به اینجا برمی‌گرده. شعار واحد او به‌عنوان یه خلبان مهم این بود: «امروز، من شکست‌ناپذیرم، مگر اینکه خداوند نقشه‌های دیگری داشته باشد.» این به‌نوعی، روحیه‌ی این مزموره. ما شکست‌ناپذیریم، چون همون طور که پولس در رومیان می‌گه: «زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می‌کنیم و اگر بمیریم برای خداوند می‌میریم.» این وعده‌ی شگفت‌انگیز چیزی هست که خدا برای زمان حال و آینده‌ی قومش داره.

اگه آیات بعدی رو حذف کنیم، آیه‌ی ۹: «زیرا گفتمی تو ای خداوند ملجای من هستی و حضرت اعلیٰ را ماوای خویش گردانیده‌ای. هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایی نزد خیمه تو نخواهد رسید. زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نمایند. تو را بر دست‌های خود برخواهند داشت، مبادا پای خود را به سنگ بزنی. بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیربچه و اژدها را پایمال خواهی کرد.»

حالا این آیات باید کمی آشنا باشند. وقتی ابلیس در وسوسه‌ی عیسی اصرار کرد که سنگ‌ها رو به نان تبدیل کنه، چون او گرسنه بود؛ عیسی گفت: «غذای من هر کلمه‌ای است که از دهان خدا صادر می‌گردد.» بعد ابلیس که به شکل تأثیرگذاری کارش رو انجام می‌ده، گفت: «باشه، اگه به کلام خدا علاقه داری، بذار کلام خدا رو برای تو بازگو کنم. بذار تو رو به کنگره‌ی هیکل ببرم و خودت رو پایین بنداز. قدرتت رو نشون بده، چون به‌هرحال، کلام خدا در مزمور ۹۱ آیه‌ی ۱۲ می‌گه: «تو را بر دست‌های خود برخواهند داشت، مبادا پای خود را به سنگ بزنی.»

همیشه جواب‌های عیسی برای من خیلی جذابه. می‌دونید، چند پاسخ احتمالی وجود داره. عیسی می‌تونست بگه: «تو این مزمور رو اشتباه تفسیر می‌کنی. من می‌دونم معنی اش چیه، من اونو نوشتم؛ و تو به‌درستی آزش استفاده نمی‌کنی.» یا می‌تونست بگه، «می‌دونی، در سنت ربّای‌ها، این مزمور رو این طوری تفسیر نمی‌کنیم.» اما به نظرم او با پاسخش، مسیر مهمی رو به قومش نشون می‌ده. در پاسخ می‌گه، «همچنین مکتوب است.» تنها راه برای یافتن حقیقت کتاب مقدس، اینه که کتاب مقدس رو با خودش

مقایسه کنید. نمی‌تونیم به هیچ اقتداری متوسل بشیم. هیچ پاپ و نبی‌ای نمی‌تونه بهمون بگه منظور کتاب مقدس چیه؛ فقط باید به مطالعه‌ی اون ادامه بدید. عیسی به این اشاره می‌کنه.

اما می‌تونیم سؤال کنیم، این‌طور نیست؟ «مفهوم این مزمور چیه؟ اگه شریر از این سوءاستفاده کرد، ما چطوری باید تفسیرش کنیم؟» این همیشه برای من جالب بود، چون این ضبط نمی‌شه، می‌تونیم محرمانه بین خودمون صحبت کنیم؛ من همیشه تعجب کردم که چرا فرشته‌ها وجود دارند؟ آیا تا حالا پرسیدید که چرا فرشته‌ها وجود دارند؟

خدا واقعاً بهشون نیازی نداره، درسته؟ او می‌تونه مستقیماً هر کاری رو بکنه. چرا می‌خواد کاری رو به‌طور غیرمستقیم از طریق فرشته‌ها انجام بده؟ «تو را بر دست‌های خود برخواهند داشت.» چرا خدا خودش ما رو با دست‌هاش بر نمی‌داره؟ چرا باید توسط فرشته‌ها برداشته بشیم؟ بهترین پاسخی که می‌تونم بدم (و به نظرم پاسخ نسبتاً خوبی هست)، اینه که در کل خلقت، عشق خدا به تنوع رو می‌بینیم. خدا یه دنیای ناچیز، پست، بی‌حال و کوچیک رو به ما نداده که در اون زندگی کنیم؛ بلکه دنیایی رو به ما داده که پر از چیزهای زیباست؛ گیاهان زیبا، درختان زیبا، حیوانات شگفت‌انگیز.

یکی از آیات موردعلاقه‌ی من در مزمور ۱۰۴ هست که درباره‌ی این صحبت می‌کنه که خدا لویاتان رو برای بازی در دریاها آفریده. می‌دونید، شاید لویاتان برای روغن نهنگ خوب باشه، اما اساساً لویاتان فقط به این دلیل آفریده شد که یه بُعد بازیگوشی در خدا هست که حد اعلا‌ی همه‌چیز رو دوست داره. تنوع رو دوست داره و ظاهراً این در عالم روحانی هم مثل عالم جسمانی صدق می‌کنه، چون او فرشته‌ها رو آفریده، فرشته‌های مختلف رو برای کارهای مختلف آفریده.

نه به‌خاطر اینکه بهشون احتیاج داره؛ او به نهنگ‌ها نیاز نداره و من دوست ندارم بگم او به شما نیاز نداره. به من نیاز نداره. او عاشق مخلوقاتشه و باهاشون مشارکت داره، از مشارکت با اون‌ها لذت می‌بره؛ پس فرشته‌ها رو آفریده؛ تا حدودی، فقط برای لذت انجام این کاره، اما تا حدودی هم به‌خاطر اینه که روح‌های خدمت‌گذار باشند، یعنی روح‌هایی که خدمت می‌کنند. ما اینو در عبرانیان می‌خونیم. فرشته‌ها خدمت می‌کنند، روح‌های خدمت‌گذار برای کسانی هستند که وارث نجات می‌شن.

پس این مزمور به این موضوع اشاره می‌کنه و درباره‌ی این صحبت می‌کنه که خدا فرشته‌ها رو برای کمک به ما مقرر کرده. حالا آیا بدین معناست که هریک از ما یه فرشته‌ی نگهبان داریم؟ خُب، مطمئن نیستیم که بتونیم اینو از کتاب مقدس اثبات کنیم یا برامون مفید باشه که سعی کنیم فرشته‌ی نگهبانمون رو پیدا کنیم.

ظاهراً این نکته‌ی مورد نظر کتاب مقدس نیست، اما نکته‌ی کتاب مقدس اینه که می‌گه خدا نه‌تنها از ما محافظت می‌کنه، بلکه محافظت‌کننده رو هم در اطرافمون می‌داره. این بخشی از برکته. خدا اینجا اینو می‌گه. محافظتی که خدا از طریق محافظین به ما وعده می‌ده، هرگز نباید تا حد خرافات یا چیزهای کم‌ارزش نزول کنه. ابلیس سعی کرد با این وعده، این کار رو انجام بده. سعی کرد اینو کم‌ارزش کنه. «برو از بالای صخره بپر و ببین که آیا فرشته‌ها تو رو می‌گیرند.» به نظر من، اون‌ها این کار رو نمی‌کنند،

چون برای این کار مقرر نشدند. اون‌ها مقرر نشدند که بهشون متوسل بشیم یا این‌طوری ازشون استفاده کنیم؛ ابلیس در این قسمت، عیسی رو وسوسه می‌کرد. وقتی به این مزمور فکر کردم، با کنجکاوی متوجه شدم که مخصوصاً در انجیل متی، مراجع زیادی رو برای فرشته‌ها در زندگی عیسی پیدا می‌کنیم.

فرشته‌ها در تولد او حضور دارند. خُب، این در لوقاست؛ اما این هم حساب می‌شه. فرشته‌ها بعد از وسوسه‌ها با او هستند. متی یادتونه که می‌گه: «فرشتگان آمده، او را پرستاری می‌نمودند.» اون‌ها در باغ جتسیمانی باهاش بودند؛ در متی ۲۶ اینو می‌خونیم. اون‌ها در رستاخیز باهاش بودند، متی ۲۸. در بازگشتش هم خواهند بود، متی ۲۵ نبوت می‌گنه.

پس فرشته‌ها به‌عنوان محافظ و مشوق عیسی باهاش هستند. یادتونه که در باغ، عیسی گفت می‌تونه لشکر فرشته‌ها رو صدا گنه که آرش محافظت کنند. او به پطرس و شمشیرش نیازی نداشت. همه‌ی این‌ها بخشی از محافظت خدا از عیسی بود و عیسی مفهوم واقعی مزمور ۹۱ رو درک می‌کرد. مفهوم واقعی مزمور ۹۱، چیز کم‌ارزشی نیست، بلکه مهمه که بدونیم، خدا از ما محافظت خواهد کرد و وقتی به کلامش اعتماد می‌کنیم، ما رو در کلامش نگه می‌داره. فرشته‌ها به عیسی کمک کردند که اراده‌ی خدا رو انجام بده و آرش اجتناب نکنه. به نظرم، این برای ما خیلی مهم و حیاتی هست.

به نظرم، این یکی از دلایلی هست که عبرانیان در باب ۱ می‌گه، فرشته‌ها، روح‌های خدمت‌گذار ما هستند تا کمک‌مون کنند که وفادار باشیم. بعد در عبرانیان ۲ می‌خونیم: «پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او [عیسی] نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به‌وساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد، و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود را گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند.»

پس فرشته‌ها برای کمک به رهایی ما از ترس موت و بردگی مادام‌العمر در گناه حاضر می‌شن و عیسی اومد تا ما رو از اون رهایی بده؛ پس عملکردشون، حماقت نیست؛ عملکردشون اینه که کلام خدا رو بیارن، کلام خدا رو تأثیرگذار کنند، از ما در خدمت خدا محافظت کنند.

پس این یه مزمور زیباست که حضور و هدف و نیکویی خدا رو به ما یادآوری می‌گنه؛ من همیشه فکر می‌کردم جالبه که ابلیس از آیه‌ی ۱۳ نقل قول نکرد: «بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیربچه و اژدها را پایمال خواهی کرد.» بلکه عیسی آیه‌ی ۱۳ رو به یاد آورد و وقتی نخواست منحرف بشه، مار رو زیر پاش له کرد.

در زمان باقی‌مونده، می‌خوام به‌سراغ به مزمور دیگه از کتاب چهارم بریم. این یه مزمور کوتاهه. ظاهراً شاید در نگاه اول، یه مزمور تأثیرگذار نباشه. این چیزهای آشنایی رو می‌گه که قبلاً شنیدیم و چون اون‌ها رو قبلاً شنیدیم، بدین معنا نیست که نباید دوباره اون‌ها رو بشنویم؛ به نظرم سعی می‌کنم، مطمئن نیستیم چقدر موفق بشم، سعی می‌کنم کمی از احساس شعر عبری رو بهتون منتقل کنم. حالا شعر عبری، برخلاف شعر انگلیسی قدیمی، بر اساس قافیه نیست. بیشتر بر اساس وزن و آهنگه.

ترجمه‌ی وزن و آهنگ از یه زبان به زبانِ دیگه خیلی سخته. پس سعی کردم مزمور ۹۳ رو ترجمه کنم، چون این کوتاهه و می‌خوام وزن و آهنگ شعر اصلی عبری رو در خودش داشته باشه. فقط با نگاهی به مزمور ۹۳ در صفحه‌ی انگلیسی استاندارد، واقعاً احساس نمی‌کنید که در این مزمور، وزن و آهنگ عوض می‌شه و پیشرفت می‌کنه؛ پس آیه‌ی اول واقعاً شامل خطوط چهار سیلابی هست و در پایان کمی متفاوت؛ پنج سیلابی و بعد سه سیلابی.

بعد آیه‌ی ۲، کمی آهسته‌تر می‌شه. پس خط اول، هفت سیلابی هست؛ و خط دوم، پنج سیلابی. بعد آیه‌ی سه، هفت سیلابی هست. آیه‌ی چهارم، هفت سیلابی هست. بعد خط اول از آیه‌ی ۵، نه سیلابی هست. پس از خطوط چهار سیلابی، به خط نه سیلابی می‌رسید. این چی کار می‌کنه؟ واقعاً مسائل رو آهسته می‌کنه. در ابتدا سرعت داره و بعد در ادامه آهسته می‌شه. آیا این برای درکش مهمه؟ نه، اما به ما یادآوری می‌کنه که قالب شعر، از مفهوم شعر حمایت می‌کنه.

پس می‌خوام اینو بخونم؛ این شعر، اول با بیان این مطلب پیش می‌ره: «خدا پُر جلاله» و بعد می‌گه، «خدا قدرتمنده. خدا زورآوره». شما می‌تونید پُر جلال باشید، اما زورآور نباشید. ملکه الیزابت در افتتاحیه‌ی پارلمان بسیار پُر جلاله، اما دیگه زورآور نیست. بعد می‌بینیم که خدا به فکر قوم خودش و اهداف خودش. پس این مزمور کوتاه، واقعاً لذت‌بخشه؛ اما بذارید ترجمه‌ی خودم رو که خیلی خوب نیست، بخونم. فقط برای اینکه به خاطر سیلاب‌های درست از من تعریف کنید. به این وزن و آهنگ آغازین توجه کنید. در آغاز، هر خط، چهار ضرب داره؛ و با یه سرعتی پیش می‌ره. این مزمور سعی می‌کنه قوم خدا رو تسلی بده؛ و مزمورنویس می‌خواد این مفهوم رو بی‌پرده بگه. «خداوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است. خداوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است.»

سرعت زیاد رو در این احساس می‌کنید. این جلال اوست. «ربع مسکون نیز پایدار گردیده است»، پنج سیلابی؛ «جنبش نخواهد خورد»، سه سیلابی. پس این طوری آغاز می‌شه، می‌بینید. با جلال و قوت خدا آغاز می‌شه؛ بعد کمی آهسته‌تر می‌شه. «تخت تو از ازل پایدار شده است»، هفت سیلابی. «تو از قدیم هستی»، پنج سیلابی.

پس حالا آهسته شده. ما این سرعت زیاد رو درباره‌ی اعتراف به جلال خدا داشتیم. حالا کمی آهسته شده. بعد به چیزی می‌رسیم که شاید وسط این مزمور، سردرگم‌کننده باشه؛ در آیه‌ی ۳، هفت سیلابی برای هر خط دارید. «ای خداوند سیلاب‌ها برافراشته‌اند، سیلاب‌ها آواز خود را برافراشته‌اند. سیلاب‌ها خروش خود را برافراشته‌اند.»

چرا این قدر درباره‌ی آب‌ها صحبت می‌کنه؟ چون آب‌ها برای اسرائیل، نمادِ هرج‌ومرج بود. هیچ چیز به اندازه‌ی دریا غیرقابل کنترل نیست. در روز طوفانی به ساحل فلوریدا برید، زبونتون بند میاد، اما قدرت دریا رو خواهید دید. اینجا روی این تمرکز می‌کنه. قدرت دریا، هرج‌ومرج دریا، ماهیت غیرقابل کنترل دریا.

بعد آیه ی ۴، دوباره هر خط، هفت سیلابی هست، «فوق آواز آب‌های بسیار، فوق امواج زورآور دریا. خداوند در اعلیٰ اعلیین زورآورتر است.» پس نکته‌ی واقعی در اینجا اینه که وقتی مزمور آهسته می‌شه، هرچند که دریا خیلی تکان دهنده‌اس، این پادشاهی که گفتیم در اعلیٰ علیین سلطنت می‌کنه، زورآورتره. او در اعلیٰ علیین زورآورده. دریا نمی‌تونه تخت او رو تضعیف کنه، نمی‌تونه او رو سرنگون کنه.

بعد طولانی‌ترین خط، نُه سیلابی، دوباره به طُرُق بسیار، اصلِ مطلب رو بیان می‌کنه، «شهادت تو بی‌نهایت امین است.» اینجا باید آهسته حرکت کنیم. باید این نکته رو درک کنیم. «خداوند سلطنت می‌کند! شهادت تو بی‌نهایت امین است.» در این قسمت آهسته حرکت کنید، اینو به‌وضوح درک کنید. این ارتباط ما با خداوندی هست که سلطنت می‌کنه، شهادتش مُعتبره.

بعد هشت سیلابی، «قدوسیت خانه تو را می‌زبید.» بعد هفت سیلابی، «ای خداوند... تا ابدالابد.» پس ما قالبی رو داریم که از این تعلیم که خدا پُر جلال و قدرتمنده، حمایت می‌کنه؛ و اگرچه دریاها خیلی قدرتمند به نظر می‌رسند، او زورآورتره؛ بنابراین می‌تونیم به احکامش اعتماد کنیم و واردِ قدّوسیت خانه‌اش بشیم. پس این یه مزمور زیبا و کوتاهه که قوم رو به‌طرف خداوند هدایت می‌کنه؛ اما در خاتمه می‌بینیم که قوم رو به‌سوی کلام خدا و پرستش او هدایت می‌کنه؛ به‌عنوان موضوع مهمی در تجربه کردنِ سلطنت خدا. ممنونم.